



صنعت زدایی و صنعتی شدن مجدد در خاورمیانه

نویسنده: چارلز بیسون ترجمه: روزبه بیران

نقل از: «مجله بین المللی مطالعات خاورمیانه»، جلد ۱۲، شماره ۴، دسامبر ۱۹۸۰ صفحات ۴۶۹-۴۷۹

و هشتاد و مقدار تولید از چهارمیلیون لوازم منسوجات به یک میلیون و پانصد هزار تواره کاهش یافته است.^(۱) در سال ۱۸۶۸ کمیسون دولتی ترکیه اعلام داشت که در ۲۰ تا ۳۰ سال گذشته از ۱۸۳۸ تا بعد تعداد دستکارهای پارچه بافی استانبول از دوهزار و هشتصد پنجاه به بیست و پنج دستگاه و کارگاه‌های تولید منسوجات ز بافت از سیصد پنجاه کارگاه به چهارکارگاه و کارگاههای ابریشم بافی تریزین از شصت کارگاه به هشت کارگاه کاهش یافته است.^(۲) اقول صنایع پارچه بافی و ابریشم پوریا نیز قبل از ۱۸۳۸ سال گذشته بود. پسال ۱۸۳۲ در این شهر بیست هزار دست لباس تولید می شد ولی این رقم در ۱۸۴۶ به سیصد هزار دست و در ۱۸۴۶ به سه هزار دست تقلیل یافت.^(۳) در مورد ایران چه گزاره‌ها و ارقامی در دست نیست لیکن گزاره‌های کنسول انگلیسی در دهه ۱۸۴۰ مدارک فراوانی در اختیار ما قرار داده می دهد که صنایع بافندگی و سنتی عراق نیز با نشانگان کاتال ستور کاهش قیمت منسوجات وارده به کشور انحطاط شدید خود را آغاز کردند. در تونس رشته‌های کلاه دوزی، پارچه‌های بنی‌های و ابریشمی، سخت افرا، جرم و سفالگری و سرامیات به نحوی روزافزون ارفاق با خارجیان صدمه دیدند و در بغداد، بازارهای صادراتی باقیمانده خود و سپس بخش اعظم بازارهای داخلی خود را نیز از تک دادند.^(۴)

با این حال نباید در باب سرعت و گستردگی انحطاط صنایع خاورمیانه را، مدتها ببرد و این بشکونان ارتباطات ضعیف بود، که سبب شد صنایع دستنی نواحی داخلی و دور افتاده از مفاصل یا از حفاظت آن در نواحی ساحلی به حیات خود ادامه دهد. گزارش‌های کنسولی انگلیسی و فرانسه در ترکیه بین سالهای ۱۸۴۵ - ۱۸۵۰ نشان می دهد که در ده‌های جدید، مرادین (Mardin)، دیار بکر، مالاتیا (Malatya) و حتی قریه‌های کارگاهی بافندگی دستنی و صنایع کارگاهی سنگ، چرم و صنایع کاری فعال باقی مانده بودند. در آنسایه جنگ جهانی اول چیزی دهم در هزار چرخ دستبافی در آنتالیای غربی (Antalya)، مرمره (Burdur)، دنی زبلی (Denizli) و چندین هزار نیزه در نواحی شمال وجود داشته است.^(۵) از طریق کواکب که در ترکیه همچون سایر نقاط بافندگان از طریق استفاده از نخ ابرارانی میزبانه‌های تولید خود را به میزان زیادی کاهش دادند لذا انقلاب صنعتی که در سده‌های هجدهم و نوزدهم آغاز شد، بافندگی برای این نواحی زندگی مردمشان و معیشت خود

ذکراند. بین این شهرها در کاخچه‌های تولیدی متعدد تقسیم کاری عمیق و طریقی به چشم می خورد و به نحوی که هر شهر در فرایند تولیدی خاص مخصوص به شمار می رفتند.^(۶)

مشک‌های انقلابی و جنگ‌های نابینو برای صنعتی شدن منطقه فرصت مغتنم و کوتاه بود. لکن در دهه‌های ۱۸۴۰ و ۱۸۵۰ صنایع منطقه از رفاهت تمام علیه اروپاییان خسران فراوان دیدند. کارخانجات اروپا محصولات ارزانی به بازار محلی می‌فروختند و صنعت و تولید هم‌اکنون غیرقابل امکان گسیل این قبیل اجناس به خاورمیانه آن هم با هزینه‌ای ناچیز را ممکن می ساخت. آنسلی با کشتی بخار و دهه‌های ۱۸۴۰ و ۱۸۵۰ کسی بعد با کشتی‌های فولادی و بهسازی مداوم هر دو نوع حمل و نقل، کاهش نرخ‌های ارسال کالا را به همراه آورد که تا پایان قرن بیستم رونق داده داشت. در کنار مباحث با شدت از انعقاد قراردادهای متعدد بین کشورهای خاورمیانه و حکومت‌های اروپایی نیز نباید غفلت کرد. قراردادهایی که حقوق گمرکی اجناس وارداتی را در حد سابقین ثابت نگاهداشته و لذا بازار خاورمیانه را بر روی کالاهای خارجی بستند: قرارداد روسی و ترکیه در آفریسیاترول (Adriatic) در ۱۸۴۹، قرارداد تجاری انگلیس و ترکیه در سال ۱۸۴۸، قرارداد روس و ایران در ۱۸۴۱ و ۱۸۴۲، قرارداد ایران و انگلیس در ۱۸۴۱، قرارداد انگلیس و مراکش در ۱۸۵۵ از آن جمله‌اند. در نتیجه در ترکیه و ایران عوارض گمرکی و سایر عوارض گمرکی هم می‌داشتند تا حقوق می‌رفت.^(۷)

در آغاز تاریخ‌سازیر پیش گفته به شهرها و نواحی ساحلی محدود بود لیکن در دهه‌های پایانی قرن نوزدهم به همه پهنود راه‌ها و وصل‌صل زمین، این فرایند ایران را هم به ساس نقاط نیز کشیدند.^(۸)

(چنین روشی) بر صنایع نساجی خاورمیانه اثری قاطعه آمیز داشت. کنسول فرانسه در سال ۱۸۴۵ گزارش داده است که تعداد چرخ‌های پارچه بافی شصت حلب به هزار و پانصد و چرخ‌های پارچه بافی شهر دمشق به هزار کاهش یافته است. حال آنکه هر دو شهر (در گذشته) بر رویهم دوازده هزار دستگاه پارچه بافی داشته‌اند.^(۹) در سال ۱۸۴۶ کنسول انگلیس در حلب نیز اعلام کرد که در ۱۰ سال گذشته تعداد دستکارهای پارچه بافی آن شهر از ده هزار به دوهزار

۲۰۰۰ سال اخیر خاورمیانه نیز همچون نقاط بسیاری از جهان فرایند صنعت زدایی و صنعتی شدن مجدد متعاقب این امر آغاز گردانده است. اقول صنایع دستنی تا مدتها پس از جنگ جهانی اول همچنان ادامه داشت. در عین حال از هرالی دهه ۱۹۸۰-۱۹۸۰ کشتیهای جدید چینی ریش صنایع کارخانه‌های اروپایی چنگک جهانی دوم به بعد با معرفی صنعتکاران بافندگی بافندگی و اواخر قرن وسطی زمان اقل اکثر صنایع خاورمیانه بود و شواهد بسیاری نشان می دهد که حداقل از قرن هیجدهم به بعد برخی از این صنایع از رفاهت با صنایع هندوستان و حتی بیشتر از آن در مد اف با کالاهای اروپایی بدمت زبانی شدند. هم بر این اساس از قرن نهم به بعد کالاهای ویژه‌نوسنی بازارهای صادراتی خود در فرانسه بازار دست دادند.^(۱۰) در نیمه دوم قرن هیجدهم صادرات پارچه کتان و لباس و نخ بنه‌ای مصر و سوریه به انگلستان به شدت کاهش یافت که از جهانی معلول برقرار کردن حقوق گمرکی تحت عنوان حمایت از صنایع داخلی در کشورهای وارده کننده و به لحاظ نتیجه بیشترت کتولونیک اروپا و بالاخره از اروپای صادرات بنه و کتان و ریش چینی از این جنبه‌های صادرات منسوجات بافته شده را گرفت و در مقابل وارد کردن منسوجات اروپایی و انقلابی چون کاغذ، شیشه، ابزار و آهن آلات و سایر کالاهای ساخته شده شدیداً قویونی گرفت.^(۱۱) مدارک موجود نشان می دهد که حداقل از اواخر قرن هیجدهم در پوریا (Bursa) کاهش تولید و صادرات لباس‌های ابریشمی یا افزایش شدید صادرات ابریشم هزارها بوده است.^(۱۲) برای مثال در بخش اروپایی امپراطوری عثمانی یعنی استانبول، سالیانه با آردنا صنایع نساجی نیز به اقل گردانید.^(۱۳) صاحب نظران اروپایی به استنباط سوریه پیوسته از کیفیت صنایع روسی خاورمیانه به سختی گفند می‌بویند.^(۱۴)

البته درتصور این نباید بیاملفه کرد. شهرهای خاورمیانه صدها هزار دستکار دستی را در خود جای داده بودند که تولید دستی، یعنی از صنایع ساخته شده صرفی منطقه اشتغال داشتند و این را ساسا صنعتکاران استانبول، پوریا، ساریک، امیر، آنکارا و توکات (Tokat) در ترکیه، حلب و دمشق در سوریه، بغداد و موصل در عراق، اصفهان، تبریز، یزد، کاشان، شیراز و همدان در ایران، قاهره و ممالا (Mahalla) و ایرویت و قلمرو در مصر، تونس و مراکش در شمال آفریقا، قابل

فرد، پسر عمری اعطاء کرد. مشابه این امر در سایر نیز اتفاق افتاد. براساس سرشماری سال ۱۹۰۷ پیش از تصدیق پورند، صنعتگران بسیاری را جنگ جهانی دوم و پس از آن به حیات خود ادامه دادند. در سوریه تخمین سالانه آمیزی تعداد صنعتگران فعال را در دست قبل از شروع جنگ جهانی اول برابر صد هزار نفر اعلام می دارد و در اوایل دهه ۱۹۲۰ حدود چهار هزار یاننده دستی و صنعتگران انبوه دیگری وجود داشتند.^{۱۸۱} دمشق در اوایل سالهای ۱۹۰۰ به بعد هنوز مصر و ایران با بارچه‌های ابریشمی خود که از ابریشم خاکی کشته می‌شد، بوده. نخله می کرد.^{۱۸۲} در بغداد بسال ۱۹۰۷ نخله کار کار بافندگی دستی وجود داشت که پنج میلیون یاره بارچه بنیاده و باصد هزار یاره بارچه ابریشمی تولید می کردند.^{۱۸۳} در ایران تا حدود ۱۹۵۰ زیدیه به بیست هزار یاننده دستی و پیش از این تعداد در صنایع کارگاهی دیگر به کار اشتغال داشتند.^{۱۸۴} در تونس نیز جنگ جهانی دوم و پس از آن صنعتگران بسیاری به حیات خود ادامه دادند.^{۱۸۵}

صنعتی در خاورمیانه، عهدنا از لگویی «حایگزینی واردات» پیروی کرده است.

صنعتی در خاورمیانه و شمال آفریقا در محصول صنعتی جهان فقط حدود ۱/۵ درصد است و فقط در برخی از ساخت‌ها، مثل نساجی و پتروشیمی، بطور قابل ملاحظه‌ای بالاتر است.

علاوه بر همه آنچه که یاد شد، برخی از صنایع دستی منطقه در واقع به علت افزایش نیاز بازار جهانی به برخی از محصولات خاورمیانه رشد نیز داشتند. برخی از این کارگاه‌ها به تبدیل مواد خام تحت صادرات می‌پرداختند که نبرک، سنا و چرم ایران از جمله آنند.^{۱۸۶} لیکن در این راستا، قالی پرچمنه نیز مثال بنیادین می‌رود. برای صنایع نساجی قالی‌های لوکس از ترکیه و ایران به اروپا صادر می‌شد. لیکن در اروپا به حدود ۱۸۷۰ بود که صادرات قالی به مقیاس وسیع برقرار شد که مدیون افزایش تقاضا، کاهش هزینه‌های حمل و نقل و سرمایه‌گذاری اروپایی در صنایع قالی ایران و ترکیه بود.^{۱۸۷} در ترکیه نخله‌های نساجی سائید آمد.

در دهه ۱۹۲۰ بین امر مشغول شدند و در سال ۱۹۰۸ چهار انگلیسی با سرمایه‌های برابر در میلیون لاره که بعداً به ۵ میلیون دلار افزایش یافت، شرکت سهامی تولید لاره تشکیل دادند. این شرکت در آن زمان رکنگت میزان محصول چندین برابر به اروپا یافت و در سال ۱۹۱۲ میلادی صادرات عالی نیز به ایران و باصدا و شهادت و جهان نیز متبرک به ارزش سه میلیون دلار بود. در قلمرو سابقه با یک میلیون و پانصد هزار یاننده در سال ۱۸۹۹، بافت گشت، گزده گزهای چینی و او جنگ اشتغال ایران، صنعت قالی، صنایع فرش‌های قزاقستان، شال و سفرم به صادرات و در اوایل دهه ۱۹۲۰ صادرات عالی از آن پس به اروپا اول نهاد.^{۱۸۸} در ایران نیز سرمایه انگلیسی مختصری در قالی‌های اختصاص یافته بود و صادرات آن در ۱۹۰۰ میلادی به سرعت به پانصد هزار دلار و در ۱۹۱۲ به پنج میلیون دلار رسید که به نسبت همزمان صادرات ایران به حساب می‌آمد.^{۱۸۹} امر قالی‌های در ایران پیش از ترکیه رونق داشت و تا اوایل دهه ۱۹۵۰ حدود چوبی حدود صدوسی هزار نفر مشغول بودند و صادرات آن به هزاره‌های صرب، یونان، بلغاریه، بلغارستان، یوگوسلاوی، هندوستان، ترکیه، هند، مصر، سوریه، تونس و مراکش نیز می‌گردد. پیش‌فروش مواد دامی، داشت، اغلب لازم به اروپا نیست که در دستمزدها در صنایع دستی مورد بحث در

توانایی در افزایش باروری کشاورزی، پایین نیز نگاهداشته می‌شد. در امدادی سرانه در مصر ترکیه ۵۰ دلار بود و سایر صنایع از این هم برابر کمتر بود. در همه جا تولید به حد درآمد کم بود. شیداً نامتعداد بود. در بازار در مقابل رفاه خارجی تقریباً حاصلی نمی‌آید. در امپراتوری عثمانی و سرس گمرکی یکسال ۱۸۰۰ را ۵۰۰ هزار تنه اجزای و توتس برقرار بود. در ایران این رقم ۱۵ بود حال آنکه اجزای و توتس برای کالاهای که در فرانسه وارد آنجا می‌شد، به گزده حلق گمرکی تعیین نکرده بودند.

در رابطه با نخله‌های صنعتی، کشته می‌شد و صادرات به چشم می‌خورد. تنها در ترکیه استفاده از نخله گشت به مقیاس وسیع معمول بود. صنعت نخله در آستانه جنگ جهانی اول به راه افتاد و همبروگتکریسته‌ای وجود داشت. به استثناء همه، صادرات خود نیز نایاب بود و معادن معدنی مورد بهره‌برداری قرار گرفته بودند. محصولات کشاورزی نیز کم نمی‌توانی و در حدی که نخله و در جهت تولید قابل اطمینان. به جزایر ساحلی مصر که از حمل و نقل در بر روی نیل و راه‌های درجه یک بهره‌دهنده، حمل و نقل در سایر نقاط فوق‌العاده گران بود.

در دوران بازرگانی هند و انگلیسی در سال ۱۹۰۵ گزارش داد که در ایران هزینه حمل مائین آلات، سنگین‌تر از آن است که بتوان تحمل کرد و در حال حاضر هیچ نوع می‌توانی این آلات را به تهران رساند.^{۱۹۰} اوضاع در ترکیه تا قبل از آنکه در این راه در داخل کشور گسترش یابد پیمان بند نبود.

در مصر نیروی کار از زمان وسیع بود. اما در ایران تا به گزده، لیکن همان هیات بازرگانی، نیروی کار گزده گزگران تازه از گزده به نقد آمد و از آن است. ولی تا کاملاً و تا حدی که به سختی قابل تصور است بی‌انضباط است. هم در مصر و هم در ایران نیروی کار راهر بسیار نادر بود. در ترکیه به شکرانه وجود گروه‌های اقلیت تخصص‌های پیشتری در دسترس بود. اگر چه دستمزدها و شکارها بیشتر بود. در مصر مسئله امر کارگری، همس و سازمان‌های شری نبود و به وابستگی یا حقوق‌های کلان از خارج برای می‌شد. سرمایه‌های خاورمیانه و اروپا و آسانی که بودی در تک داشتند و در ترکیه گزده در طرح‌های صنعتی و بزرگ هرمان رانند. در آن شیداً، غده معقداً، بود. سرمایه، سرمایه‌گذاری مانند تجارت، ربح‌دان پول و کشاورزی امن‌تر بود و (از فعالیت‌های تولیدی نیز) کم سودتر بود.

سرمایه‌های خارجی نیز، به جز چند استثنا، در زمینه‌های بزرگ پرداخت می‌شد. به دولتها، خدمات عمومی (روستا، آب و برق و حمل و نقل و معادن) به قدر گرفته شده در صنایع تولیدی.

بلاخره، مصرف‌ساز دولت‌ها بود که فاسد، تک‌کاره و در اغلب اوقات کارایی می‌بودند. این دولت‌ها بطور عمدتاً بود. البته، در ترکیه، با تکلیف‌های در بر مرقاف نیز زیاده‌تر بود. به برآی آنکه اشتغال‌های مبراتبی بر ملاحظاتی مربوط به توسعه رحمان داشت.

آن‌همه‌چنین نسبت به اقتصاد شدیداً جاهل بودند و اگر اشتغال‌های صنعتی، با اقتصاد ملی بود. داشتند: از نوع فاسد، (سرمایه‌ها بود که در آن جایی برای حمایت و تقویت صنعت، منظور نشده بود، چنین سیاستی از سوی (مصرف‌ساز) خارج حکومت‌های منطقه و آتالی که از این شیوه سود می‌بردند، بی‌نیوش می‌شدند که به کشورهای خاورمیانه می‌رفتند. آنها تنها برای شتور، منبست هستند. در ۱۸۷۳ قبل شتور، وانبر (Wanber) گفت در وجهت ساخت و حمل و نقل که به‌دنبال کارخانجات اروپایی را مریخت ساخت هرگز در بین مسلمین آسیا وجود نداشته و وجود هم نخواهد آمد.^{۱۹۱}

قبل از او ژاکوب بولا، آلمانی غراب‌شیر دلالی متعدد-ای قلمه کمبود نیروی کار، مشکلات حمل و نقل و فساد و تقویت کلیات داخلی میسگاه دولتی-پرونده بود و این امر که چرا کارخانه‌های صنعتی آسیا که تاکنون به ایران عرضه شده، حیات خود ادامه نخواهد داد. در مصر اردو کومر معتقد بود که هم برای صنایع انگلیسی‌ها و هم برای صنایع مصری است. حیاتی است. رشد صنعت حیات شده به نفع در مصر شوق‌نماینده بود. برای تأکید بر این سخن، در مائینه، به تیزبین اردو در ۱۸۸۵ پیش از این پیش از او واقع در مصر حلقه گمرکی در کالاهای وارداتی بر آن است. (۱۹۲۰) علاوه بر این در مقابل حکومتی صنایع اساسی وجود داشت که توسعه صنایع عمدتاً توسط خارجی‌ها با گروه‌های اقلیت و در جهت صنایع آرا می‌شود و همین آرا می‌گردد. صنایع صنعتی می‌گردد.

از سوی دیگر مردم عادی نیز با بدگمانی در کم‌ترین

نظامی بعمل آمد این کارخانجات در اوج فعالیت خود بود. در ۱۸۹۱ تا ۱۸۹۵ بسیاری از آنها متروک شدند. (۲۸) میلی‌های ۱۸۹۵-۱۸۹۰ تلاش‌های بی‌ثمر و در ایران و در دهه ۱۹۰۰ و توتس به عمل آمد که تماماً به شکست انجامید. (۳۰) پس از کوشش‌هایی که بشوریدم در امر صنعتی شدن اروپا و به‌دنبالدهی طولانی رخ داد. این منطقه در نتیجه دور فرودهم به مراتب کمتر امر آمریکایی‌ها نسبت با خاورمیانه حسنی شدن را تجربه کرد.^{۱۹۱} در حضور تا پایان قرن نوزدهم صنعت کارخانه‌دهنده صنایع صنعتی وجود داشت. فقط پیش از آنکه نوزدهم کارخانجات نساجی، نساجی، نساجی و کارخانجات دیگر با سرمایه‌های شخصی، خصوصاً گزده احداث شد. در سال ۱۹۰۸-۱۹۰۳ متوسط سرمایه کارگری در امر صنعتی در ۱۹۰۰ در صد میلیون شکیل سرمایه ثابت ناخالصی و در دهه‌های تولید ناخالص داخلی بالغ گشت. در سال ۱۹۱۶، ۳۵۳۱۶ هزار دلار در کارخانه‌های جدید به کار مشغول بودند و در ایران طرح‌های حاد، طایفه‌ها به شرکت بزرگی در دهه ۱۹۰۰ هم‌چنین کوشش برای سرمایه‌های ملی مختلف استانی به شکست کامل انجامید به نفعی که در ۱۹۱۳ کمتر از ۲۰۰۰ نفر در کارخانه‌های اروپایی به کار مشغول بودند. در ترکیه پس از هرس می‌گردد. در ۱۸۷۰، ناسی‌ها می‌بودند. اقلیت ایرانی، آرتسی و به میزان کمتری یهودی) صنایع خود اقلیت ۱۹۰۸، آرتسی که از سوی حکومت تشویق فراوان داشت نسبتاً به صنعتی شدن علاقه داشت. بافتنی دادند و این حال در شتورهای اروپایی که در ۱۹۱۳ انجام شد و در مرکز اصلی صنایع استرالیا و آمریکا زیر پرورش داشتند. آستان می‌دهد که فقط ۱۷۰۰۰ بیشتر در کارخانه‌های کار مشغول بودند که در نیروی صنعتی استفاده می‌گردد.^{۱۹۲} در سوریه تنها کارخانه ابریشمی‌ای توتون، در آنجا، آفریقا چند کارخانه مواد غذایی و صنایع ساختمانی و چند کارخانه نساجی وجود داشت که به معادن معدنی، معادن مس با صنعتی پیش از کارخانجات رشد کردند و معادن ذغال سنگ و کرم در ترکیه، نفت و گزده در ایران، نفت و صنایع مختلف و نساجی و نساجی و نفت و نفت از شمال آفریقا آنجمله‌اند.

دلیل اصلی فقدان توسعه صنعتی منطقه‌های شمالی بود که تمامی نقاط به استثناء اروپا و آمریکایی‌ها وجود داشتند. نیز بازار و در عرضه مواد اولیه برای صنایع چسبگیر بود. بود لاسود اولترت می‌رسید که کارخانه‌ها ساخته شد از خارج وارد شود تا اینکه در کارگاه‌های مورد بحث ساخته شود.

در رابطه با بازار داخلی (اباد گفت که) جمعیت کم بود، کمبود چیزی زیاد. ۱۵ میلیون نفر جمعیت داشت در مصر ۱۹۰۰، میلیون، ایران حدود ۱۰ میلیون و سایر کشورهای این اقل بود نیز کم، در امداد همه بسیار پائین بود و در علت غلبه

علاوه بر همه آنچه که یاد شد، برخی از صنایع دستی منطقه در واقع به علت افزایش نیاز بازار جهانی به برخی از محصولات خاورمیانه رشد نیز داشتند. برخی از این کارگاه‌ها به تبدیل مواد خام تحت صادرات می‌پرداختند که نبرک، سنا و چرم ایران از جمله آنند.^{۱۸۶} لیکن در این راستا، قالی پرچمنه نیز مثال بنیادین می‌رود. برای صنایع نساجی قالی‌های لوکس از ترکیه و ایران به اروپا صادر می‌شد. لیکن در اروپا به حدود ۱۸۷۰ بود که صادرات قالی به مقیاس وسیع برقرار شد که مدیون افزایش تقاضا، کاهش هزینه‌های حمل و نقل و سرمایه‌گذاری اروپایی در صنایع قالی ایران و ترکیه بود.^{۱۸۷} در ترکیه نخله‌های نساجی سائید آمد.^{۱۸۸} در ایران نیز سرمایه انگلیسی مختصری در قالی‌های اختصاص یافته بود و صادرات آن در ۱۹۰۰ میلادی به سرعت به پانصد هزار دلار و در ۱۹۱۲ به پنج میلیون دلار رسید که به نسبت همزمان صادرات ایران به حساب می‌آمد.^{۱۸۹} امر قالی‌های در ایران پیش از ترکیه رونق داشت و تا اوایل دهه ۱۹۵۰ حدود چوبی حدود صدوسی هزار نفر مشغول بودند و صادرات آن به هزاره‌های صرب، یونان، بلغاریه، بلغارستان، یوگوسلاوی، هندوستان، ترکیه، هند، مصر، سوریه، تونس و مراکش نیز می‌گردد. پیش‌فروش مواد دامی، داشت، اغلب لازم به اروپا نیست که در دستمزدها در صنایع دستی مورد بحث در

سطوح، پایین‌ترین ثابت نگاهداشته شد. صنعت دستی در خاورمیانه با افول صنایع دستی منطقه فرایندی کم بود و صنعتی‌شدن هیچ‌گونه منطقه‌ای نیز ظهور کارخانه‌های اروپایی نیز به تالی انجام گرفت، از جمله نخستین و جوسرانه‌ترین گزده‌ها از سوی حمله‌ای در مصر بوده. به عمل آمد نساجی که در ۱۸۴۳ میلادی میزان سرمایه‌گذاری صنعتی مصر به شصت میلیون دلار رسید و چیزی حدود سی هزار تن در صنایع کار مشغول گزده که بنا بر وجهه چهارمیلیونی مصر رقم قابل ملاحظه‌ای به حساب می‌رفت. اما کارخانه‌های احداث شده توسط حمله‌ای که عمده حرات نظامی و ارتقعی می‌باشند، تنها با صرف از نیروی قزاقان و نظارت دائمی او به حیات خود ادامه دادند. در ایران نیز کارگاهی رنج می‌بودند و تنها از طریق حمایت پدیدرخ انحصارات سرمایه‌های برهانی مانده بود. (۳۲) دلتا کنگالی که شمار فرازی او نقلی یافت و پس از شکست ۱۸۴۱ که به اجاره قرارداد انگلیسی تری کرد که در ۱۸۷۳، می‌جورد، صنایع مورد بحث به افول رسید. دیدار جدید، به نفع است که در زمان دور تن از جانشینان صنعتی اروپایی در این میان رفتند. با با صادرات فرش و رهن به بخش خصوصی و انگار و شید (۳۸) به‌دنبال حمله حمله‌ای در تلاکت صنعتی و انگار صنعتی مصر از طریق ایجاد رفیعی مائینه برای ایستان و با استیضام برخی در صنایع خویش و می‌جورد کومر مائینه به بافتند به روستا برای تأمین نیروی کاری که در زمینه نساجی به نفع است. مبره‌ریزان بود. همساز به برده افتاد. در ترکیه نیز کوشش مشابه لیکن محدودتری در جهت ایجاد کارخانه‌ها، دلتا نخله ععدنا را به بدگمانی، شماره ۴/م صفحه ۱۱

امور کشور نشان می دادند.

اما حتی اگر ایام کشور به ترمیم صنعتی نیز علاقمند بودند، حکومت‌ها به پاری ایشان قادر نبود.

فرزاده‌های تجاری که حکومت‌ها یا دولت‌های اروپایی متعلق کرده بودند آنان را از افزایش و با تعیین نرخ‌های تریبسی خود گسترش بازرسی می‌داشت. فرانسوا دس ازموتی، اقتصاد فاشیست گرایی شرایط گمرکی خود را در ۱۹۰۷ اندکی تعدیل نمایند. حقوق کاپیتالیسم حکومت‌های اروپایی را در وضع مالیات‌های خارج مبالغه می‌کرد و مشکلات مالی حکومت‌ها امکان برقراری سوسیالیسم و هرگونه نگرانی مالی را منتفی می‌ساخت. هر چه رسد به سرمایه‌گذاری‌های صنعتی در ملباس و سیخ، نفوذ عظیم قدرت‌های بزرگ نیز غالباً برای جلوگیری از بهره‌وری توسعه که می‌ترسست مقدار صنایع پاشد بکار می‌رفت. هر چه شد که سانس‌ها را می‌در سایر طریق معنایی و ایران از آن سانس‌ها. اشاره به نقاط ضعف اصلی در صنعتی خود خارومیانه.

*** فرزاده‌هایی که در قرن نوزدهم بین حکومت‌های خارومیانه و حکومت‌های اروپایی معتقد شد حقوق گمرکی اجناس وارداتی را در چند پائینی ثابت نگاه داشت و بازار خارومیانه را از رقابت کالاهای خارجی گشود.**

*** خارومیانه در نیمه دوم قرن نوزدهم به مراتب کمتر از آمریکای لاتین یا خاور دور صنعتی شدن را تجربه کرد**

لازم است، جنگ جهانی اول قبل صادرات کشورهای اروپایی، مبرم منطقه را آگاه کرد که برای کالاهای خارجی، به خارج وابستگی کامل دارد. بدست آوردن استقلال نسبی سیاسی در دوران پس از جنگ، رشد ملگروزی، آگاهی رویه‌رشد در مورد اهمیت اقتصادی و گروشی برای منظم خصوصی و عمومی در جهت ارتقاء صنایع از طریق ارگان‌های غیر دولتی، صرفه در مصرف و بهانه‌های سیاسی در ترکیه و همچنین از طریق تشویق‌های مستقیم دولت در مصرف و ترکیه و ایران. انجمنی، لیکن صنعتی در واقع صرفاً از دهه ۱۹۲۰ به بعد شروع شد. حقوق کاپیتالیسم در ترکیه ۱۹۲۳ و ایران به سال ۱۹۲۸ و در مصر در سال ۱۹۲۲ نمودند (لیکن حقوق کاپیتالیسم در اواخر دهه ۱۳۰۰ توسط روزنامه دوماهه احیا شد...). و لغو قراردادهای تجاری در ۱۹۲۹ و در دولت کاپیتالیست استقلال نسبی مالی و گمرکی اعطاء کرد و کاهش قیمت مواد خام صادراتی حکومت‌ها را مستفاد کرد که باین مبالغه قیمت بدمی برای درآمد و از خارجی توسعه دهند. به تریب (دوران توسعه قابل ملاحظه‌ای آغاز شد که عمدتاً در زمینه صنایع ماشین‌آلات و در مصر این امر توسط گروه‌های چون ماسیر (MISR) و ایدو که از حمایت‌های آسار تشویق‌های دولت برخوردار بودند به کمک آمد لیکن اکثر کارخانجات احداث شده به نوبت با مشارکت سرمایه خارجی تأسیس شده بود. در فلسطین، به‌دین مهاجر با سرمایه و تخصص کافی چند کارخانه احداث کردند.^(۳۸)

در ایران بانک کشاورزی و صنعتی که در ۱۹۲۳ تأسیس شده بود خدمات و تسهیلات در اختیار صنایع خصوصی گذارد و دولت راساً کارخانجات، و معادن بسیاری را بنا کرد.^(۳۹)

در ترکیه مذاکلات دولت از ایران پس فراتر رفته، بانک سومر در ۱۹۲۳ برای گسترش و توسعه مدیریت صنعت و بانک اتی (İSİT) در ۱۹۲۹ برای سرمایه‌گذاری صنعت. در ترکیه در ۱۹۲۳ یکی برنامه صنعتی پنج ساله را به اجراء فرود کرد اولین برنامه پنج ساله از این نوع در کل منطقه به حساب می‌آمد.^(۴۰)

تا سال ۱۹۲۹ اتباع گمرک‌های از صنایع سبک (مواد

غذایی، نساجی، مصالح ساختمانی و برخی مواد شیمیایی ساده) در مصر و ایران و فلسطین عراقی رولبان ایجاد شده و واحدهای صنایع سنگین (ذغال سنگ آهن فولاد) در ترکیه آغاز شده بود.

نفت در ایران و عراق مهم‌ترین سهم در گسترش صنعت ایفا می‌کرد. با این حال، مهم صنعت و معدن (به استثناء نفت) در همه نقاط منطقه از ۱۰ درصد تولید ناخالص ملی پائین‌تر بود.^(۴۱)

این هسته صنعتی در خلال جنگ دوم جهانی به سخت به کار خوریدند. آمد محاصره و محاصره فرار می‌کنند. صادرات را بامدت کاهش داد لیکن در میان‌ه مزینه فراوان مسروران منتقل شد. در ارج خود ۳۰ تا ۴۰ درصد درآمد برای صنایع و فلسطین رولبان بالغ می‌شد) نیاز به کالاهای ساخته شده را شدیداً افزایش داد.

هرگز کمک رسانی انگلیس - آمریکا که به جهت جنگ‌های ناپلئون برای صنعتی شدن منطقه فرصتی مستقیم و کوتاه بود. لیکن در دهه‌های ۱۸۲۰ و ۱۸۳۰ صنایع منطقه از رقابت تمام عیار اروپائیان خسران فراوان دید.

*** در ترکیه و ایران عوارض بین شهری که تولید کنندگان وطنی می‌پرداختند از حقوق گمرکی و سایر عوارض پرداختی خارجیان بسیار فراتر می‌رفت.**

کاهش مشکلات و مزایای حمل و نقل فریابی منتقلین ایجاد شده بود. برای مثال، نفت و سایر "ذخعات" را در اختیار قرار می‌داد. در نتیجه تا سال ۱۹۲۶ تولید صنعتی بیشتر از هر عصری در فرانسه - ۱۹۲۶ تا ۱۹۵۴ یکبار چگرم به بیش از دو برابر افزایش یافت. ^(۴۲)

از آن زمان به بعد رشد صنعتی با سرعت ادامه داشته و در ۱۵ سال پیش تاکنون تولیدات خارومیانه و شمال آفریقا تقریباً از همه نقاط جهان سریع‌تر رشد یافته است.

تحقیق که اخیراً به انجام رسیده است نرخ رشد سالانه کالاهای ساخته شده در خارومیانه را بر اساس ارقام سازمان آماري فرانس ملی سازمان ملل متعده برای سالهای ۱۹۰۵-۱۹۰۹، ۱۹۱۵-۱۹۲۰، ۱۹۲۵-۱۹۳۰، ۱۹۳۵-۱۹۴۰ معادل ۱۰/۵ درصد اعلام داشته است و این امر در حالی است که در میان دوره‌ها نرخ رشد همه کشورهای درحال توسعه به با اقتضای بازارها به ترتیب ۶/۹ و ۷/۵ درصد بوده است.

ارزاق خارومیانه حتی از نرخ‌های کشورهای پیشرفته دارای اقتصاد بازارها با پیشرفته سوسیالیستی نیز بالاتر است. در حالی حاضر در کشورهای پیشرفته تر منطقه، صنعت (شامل معدن و نیرو و به استثناء نفت) سهمی معادل ۲۸ تا ۳۵ درصد تولید ناخالص داخلی را بخود اختصاص می‌دهد و تا ۱۵۰ درصد نیروی کار به خدمت گرفته است. با این حال باید اذعان داشت که سهم خارومیانه و شمال آفریقا در محصول صنعتی فقط حدود ۱/۵ درصد است. و فقط در برخی از شاخه‌ها مثل نساجی و پتروشیمی سهم خارومیانه بطور قابل ملاحظه‌ای بالا است.

رشد صنعتی مورد بحث نشان معده اهمیت است که حکومت‌های خارومیانه برای توسعه صنعتی قائل‌اند که به‌دست به دلایل گفته شده در جهانی غرب محبت شهری شدیداً رو به رشد از نظر معلول این بازار نادرست که صنعتی شدن وابستگی وارداتی را کاهش می‌دهد.

وبلاخه‌ها عوامل ملاحظاتی خود و تنظیمات، اجتماعی و سیاسی در داخل.

در برخی از کشورها صنعت و معدن ۳۰ درصد یا بیشتر از کل سرمایه‌گذاری‌ها را بخود اختصاص می‌دهد سهم قابل ملاحظه‌ای نیز به تأسیسات زیربنایی (مانند نیرو) مرتبط با صنعت اختصاص یافته است. البته به این مبالغه کرد که این قبیل سرمایه‌گذاری‌ها بعضاً با کاهش سرمایه‌گذاری کشاورزی تعلق یافته که نتایج ناگواری پهرامه داشته است. اخیراً استرالی و صنعتی شدن از جهت مهم تغییر کرده است. صنایع ماشین‌آلات و ماشین‌تور مجهز توسعه یافته است و در شاخه‌های بسیاری به حتهایی خود رسیده است (بدان معنا که صنایع محلی قادرند نیازهای فعلی و نیازهای محلی آینده نیز عرضه کنند. در پرونده). این امر بسبب شده است که برخی از کشورهای منطقه به بازارهای منطقه‌ای و خارجی برای معرفی از تولیدات خود نظیر منسوجات، سیمان و کالاهای مصرفی پرودمون نظراً افزایش خارومیانه از این نظر از سایر مناطق جهان، مانند آمریکای لاتین و جنوب شرقی آسیا بسیار ناموفق تر بوده است.

از یکسو تلاش‌هایی که برای ادغام اقتصادی منطقه‌ای صورت گرفته است تاکنون مأمور گشته بوده است.

مشارکت بین اعراب به ایجاد صندوق مشترکی جهت سرانجام کردن سرمایه از کشورهای عرب ثقیل نیز در روندند که کشورهای عرب فقیر و ایجاد بانکهای مشترکی مانند شرکت نفت و نقل دریایی مواندنسی، و شرکت کشتی سازی و تعمیرات عربانه انجمنیده است. لیکن هنوز نسبی کشورهای منطقه از ربحان نهان به تولید کنندگان صنعتی یکدیگر آبا دارند.

سایر کشورش‌های مرتبط به ادغام منطقه‌ای (مانند آنچه که منطقه‌ای عرب عربی مطرح بوده است و با این ایران و پاکستان و ترکیه) کمتر موفقیت آمیزه بوده است.

از این روی تنها بحث کوچکی از صادرات اعراب - بطور غیرمستقیم درصد بین سالهای ۱۹۶۵ و ۱۹۷۷ - به سایر کشورهای عربی اشاره شده است و اگر کل خارومیانه را در نظر آوریم این میزان بطور قابل ملاحظه‌ای خود خواهد بود اما در نظر بازارهای جهانی، کالاهای ساخته شده منطقه نه از نظر قیمت و نه از نظر کیفیت قابل رقابت با سایر مناطق هستند و احتمالاً باقی بازارهای شوروی و ایران شرقی که برای خرید و باقی به انتخاب کالای نیز پذیراند و قیمت نیز جزء ملاحظاتی ثانوی است، پیشترین شانس را خواهند داشت.

کشورهای خارومیانه به ترتیب سهمی مطلق پاشد و سایر، علاوه بر تفاوت اقلیت از صنایع طرفین این صنایع، به‌دست بود لژونی بر تولید کالاهای سرمایه‌ای مانند ماشین‌آلات تاکید روی می‌دارند. کارخانه‌های صنایع آهن و فولاد تأسیس شده است و طبق وضع صنعتی، در منطقه متنوع‌ها گرفته تا ساخت اقلب با تمام قطعات، رشد چند برابر کرده است. به‌علاوه آنکه براساس منابع بسیار غنی گاز و نفت شمال آفریقا از نظر تولید کروشیمیایی، پلاستیک و سایر مواد پرمیاشیمیایی به یکی از مراکز پیشرو جهان تبدیل شده است و صادرات محصولات این کارخانه‌ها از یومی در بازار جهانی روز در بزرگی کسب خواهد کرد. کشورهای مورد بحث همچنین با بهره‌گیری از منابع کاش طبیعی اضافی خود به ایجاد صنعت انرژی طلب مانند آلومینیوم و فولاد مبارزت می‌ورزند.^(۴۵)

نگاهی دقیق به صنایع خارومیانه کسودهای جدی چندین در برمی‌آورد. می‌سازد نخست آنکه کارخانه‌های سرمایه‌بر که مورد علاقه همه کشورهای منطقه است نسبتاً شفاف اندکی ایجاد کرده و در جهت از میان رفتن بی‌کاری جدید موجود در تمام منطقه به استثناء کسود راه، کسود ترده گشته است. کاری از پیشی نبرده است.

هیچ‌کوششی نیز در جهت بهبود و نوسازی صنایع دستی و کارگاهی نیمه‌آمده که می‌تواند برای برقراری ارتباطات کار ایجاد کند. عمل بنیامنده که در عین حال کارخانجات نیز بنسرخندگانی با بازار کارمند روبرو هستند. افراد متعدد

همان کاری را انجام می دهد که در اروپا یا ایالات متحده تنها یک مرد در آن ایستاده یا ابزارهای مشابه انجام می دهد. این امر بریزه در کارخانه های دولتی محسوس است زیرا به دلایل سیاسی بنگاهها مجبورند تا چند برابر تعداد کارگران مورد نیاز خود استخدام کنند. این وضع در کارخانه های برخی صنایع خصوصی نیز شناخته نیست. به این دلیل نسبت تولید به سرانه پایین بوده و در نتیجه مستمرا تعداد کمتر از کشورهای پیشرفته است هزینه نیروی کار در واحد محصول بالاست. پائین بودن تولید سرانه در موارد مختلف سنجش بهره وری ازبسیکی مانند مقدار سیمان یا آنتیپیل به ازاء هر کارگر و یا تعداد دیوهای پر شده توسط هر کارگر متعکس می شود (پرفسور ۱۹۶۹). یک شاخص جامع تر دیگر ارزش افزوده به ازاء هر کارگر است.

این رقم برای سال ۱۹۷۷، برای مصر ۱۴۰۰ دلار در سال، برای ایران و اردن ۲۵۰۰ دلار برای عراق ۳۰۰۰ دلار برای تونس ۳۱۰۰ دلار و برای ترکیه ۳۵۰۰ دلار بود که در این مورد تا حدودی به علت نرخهای صنعتی بالای مبادله ارز بوده است.

رقم مورد بحث برای اسرائیل ۷۲۰۰ دلار و برای کویت ۱۹۰/۵۰ دلار اعلام شده است. برای پول بالای تولید به کویت متعکس کننده جدید بودن سرمایه بر روی انواع صنعت پیشرفته است. کشور است. برای مقایسه ارزش افزوده به سرانه سایر نقاط جهان بدون شرح به دهه است ۹۰۰ دلار، ۱۰۰۰ دلار، ۵۰۰۰ دلار، ایتالیا ۱۰۰۰۰ دلار، ایالات متحده ۲۱۵۰۰ دلار (۱۹۷۷).

مرد آنکه، حجم کم و کوچک بازار محلی امکان احداث مجتمع های عظیم را منتفی می سازد. این امر خاصه در مورد صنایع چون تورب فولاد، کارخانجات آنتیپیل سازی و سایر صنایعی که صرفه جویی های مقیاس در آنها مهم است، مقصدار دارد.

همین امر باید سبب افزایش شدید قیمت تمام شده واحد محصول می گردد (۱۹۸۳). علاوه آنکه بسیاری از کارخانجات بسیار پائین تر از ظرفیت خود به کار می روند که در مقیاس ۲۰ تا ۳۰ درصد و یا بیشتر می رسد.

البته این مسأله که نیز به برنامه ریزی غلط (برای مثال) احداث کارخانه در محلی که قادر به تأمین مناسب مواد اولیه برای نیازش و در کیفیت مواد مذکور در آن محل مناسب نباشد) و به همراه تغییرات و عدم کلیت در ساختارهای مرتبط تولید و گاه به عوامل بیرونی خود خلوصی برقی، کمبود مواد اولیه و تعلقات و ممانعت محدود بودن ارزش مورد نیاز، سر می خورد. همه این امور سبب افزایش قیمت واحد محصول تمام شده می شود.

در یک گزارش کلی، نرخ صنایع خاورمیانه بیش از حدصحت شده اند. در بازار محلی از موافقت انتصابی برخوردارند که نمودار قیمت صرفه است که مستلما بیش میان فرهنگ آنکه برای کارایی بیشتر می گردد. آنچه که وضع را بترسیم می کند این است که صنایع مانند ایران قبل از انقلاب، ترکیه، تونس، مراکش، عمان سعودی، اردن و کویت اکثر در دست دولت است و یا چون مصر، الجزایر و لیبی و سوریه و عراق و چین جزئی تقریباً تمام در دست دولت اداره می شود. مشکلاتی می توان دیدگاه مدیریت صنعتی ای کلیت تر و مسأله سازتر از مشکلات خاورمیانه نامبر کرد.

یکی از اثرات اصلی صنایع خاورمیانه هم با کلیت به کارشکل می یونند. صنایع خاورمیانه از چهار جنبه تکنیکی اساسی رنج می برد نخست: منطقه در مجموع بنحو مقفیص برخوردار از منابع خام نیست و این ندرت ای است که قابل تحمل است. برای بهر حال برای بر دوش تلقی می شود دوم: نیروی کار که از جهانی بسیار پنهان از نیروی کار نیست که منطقه صنعتی خود در بنه سال قبل و با افزایش در کلکن هنوز از فقدان سلاخی جسی، تقلید نامناسب، مساکن مترامک و عدم برخورداری از تعلیم و تربیت و تخصصی که بر کارگر صنعتی فرض است، رنج می برد سوم: صنایع در منطقه هنوز تا حدی بد توسعه یافته و به تدریج نگراشته اند. از مزایای کامل رشد و رگمی، از جمله پیرودن صنایع مناسبت و مایه و صرفه جویی های خارجی سود برون.

باید توجه داشت که این مقاله در پایان سال ۱۹۸۰ میلادی نوشته شده است و ارقام مذکور نیز مربوط به آن دوره است (م).

تقل نیرو، کارگری، و غیره و به صنعت سدده می زند که فایده کار و خدمات ناگانی و نارسا و گاه معریب به صنعت عرضه می کند. در صورت تولید صنعتی از فرد است و کیفیت محصولات را می کند. تمامی اینها مقصدات در دست است. اما این حقیقت نیز وجود دارد که بسیاری از صنایع توسعه های نامناسب دریافت می کنند و در نهایت به محصول ملی می افزایند، بلکه ارزش افزوده منفی به این ایجاد می کنند. برای ممتنی که ارزش محصولاتشان از ارزش منابعی که مصرف کرده اند کمتر است، منابعی که می توانست در جاهای دیگر بگو شایسته ای بکار گرفته شود مثل صنایع صنایع هواپیمایی، آنتیپیل و فولاد در تقریباً همه کشورهای منطقه است. اقداماتی تصمیمی، با فوریت لازم است. همه ملاحظات که مورد توجه قرار گیرند مشخص می شود که در صنعتی شدن دوباره خاورمیانه تردید وارد نیست و فرایند در همه جا حداقل در درازمدت مزایای بسیار و باقی مانده منطقه از چنین امری بهره بروران خواهد بود.

مأخذ و توضیحات
تذکره ترجمه -

ترجمه این مطالب بهمنی قبول همه فرهنگی ارازل عیسوی نیست و جای به جای می توان به مقاله ایرانیهای اصولی گرفت و لی در مجموع می تواند برای درک گذشته صنایع کشورهای منطقه و آنچه که در این راهی دسترس است مفید باشد.

توجه صنایع تقویت خاورمیانه در بخشها مورد توجه قرار گرفته است. نفت اینچنان تلقی نمیشد که تصدای اقتصاد تولیدکنندگان، نفت بازمی می کند که بهایچه در این سه دهات داده می شد. تصویر را کاملا بدگونگی می ساخت. لذا صنعت به گونه ای بکار گرفته است. تناسباتی صنایع و معادن بجز نفت را در برگیرد (توضیح مؤلف).

باید توجه داشت که این مقاله در پایان سال ۱۹۸۰ میلادی نوشته شده است و ارقام مذکور نیز مربوط به آن دوره است (م).

۱. Charles Issawi, "The Decline of Middle Eastern Trade", in D. S. Richardson, ed., *Islam and the Trade of Asia* (London, 1950), and Adnan Rustum, *Arise and commerce of Cairo in XVIII Century* (Lahore, 1973), pp. 249-12. Piyush Ashitri, "L'impact du commerce musulman", *Revue de l'Institut de l'Égypte*, vol. 1 (1952), pp. 118-31. See also "Modern Eastern Industries: A Comparative Study of the Turkish Economy" in *Journal of Economic Geography*, pp. 109-20.

۲. Pierre Penet, *Les Transformations des corps de métier de Tunis* (Tunis, 1941), p. 211.

۳. Raymond Aron, pp. 179-81; Paul Masson, *Histoire de commerce Égyptien sous le règne de XVIIIe siècle* (Paris, 1913), p. 429; Ralph Davis, *Arise and Commerce* (London, 1966).

۴. Michael Goss, "A Comparative Study of the Life-Term Tax Farming ... in the Levant", *Revue Industrielle dans le Sud-Est européen*-XIX (Sofia, 1976); *Encyclopedia of Islam* (2nd edition), v. "Hahr".

۵. Train Stanovitch, "The Conquering Balkan Orthodox Merchant," *Journal of Economic History*, XX, 2 (June 1960).

۶. *Journal of Economic Geography*, pp. 109-20.

۷. See A. D. Noyes, *On the Industrial Revolution in the Middle East* (Chicago, 1970) pp. 70-78; Report on *Chronic Inflation, Economic History of Turkey, 1800-1914* (Chicago, 1968) [hereafter cited as *Chronic Inflation*].

۸. Charles Issawi, *The Economic History of the Middle East, 1800-1914* (Chicago, 1970), pp. 70-78; hereafter cited as *EHEM*; *The Economic History of the Middle East, 1800-1914* (Chicago, 1970), pp. 70-78; hereafter cited as *EHEM*; *EHEM*, Chapter VI, pp. 109-20.

۹. Dominique Chevillon, *La Société de Mont Liban ...* (Paris, 1971), p. 800.

۱۰. Report of Aleppo, 1862, Public Record Office, FO series 97241. Ocha, sometimes incompatible, figures have been given: "The number of Aleppo's textile factories which had reached in part a revival of 20,000, diminished to about 5,500 in 1868 and rose back to only 10,000 in 1879. Similarly, the number of looms in Damascus fell from some 14,000 in 1868 to just about 4,000 in the late 1860s." Monte Macaluso, *Oriental Reform in Syria and Palestine* (Oxford, 1980), p. 179. According to the Russian consuls, the number of looms in all Syrian cities fell from 20,000 in 1840 to 1,500 forty years later. K. M. Bazali, *Syria or Palestine* (Reprint, Moscow, 1963), p. 242.

۱۱. *Ones Cédal Saraj*, "Tunisie et Syrie", *EHEM*, pp. 30-31.

۱۲. Various British consular reports, FO 38 series, cited in *EHEM*, Chapter VI.

۱۳. *EHEM*, pp. 158-59.

۱۴. Muhammad Sami Hasan, *al-tarikh al-ijtima'i fi al-Jazir* (Beirut, n.d.), pp. 181-5.

۱۵. Penet, *Les Transformations*, pp. 211-24.

۱۶. *EHEM*, Chapter VI.

۱۷. *EHEM*, pp. 453-7.

۱۸. Sadi B. Hammad, *The Economic Organization of Syria and Lebanon* (Beirut, 1956), pp. 130-39.

۱۹. *Journal of Economic Geography*, p. 109-20.

۲۰. Report on Hamlet, 1, 1 August 1897, FO 38 series 2243.

۲۱. United Nations, *Economic Developments in the Middle East, 1945 to 1954* (New York, 1955), p. 45.

۲۲. Penet, *Les Transformations*, pp. 211-24.

۲۳. *EHEM*, pp. 208-9.

۲۴. For details on industrial sector see *EHEM*, Chapter VI, and (Ibrahim Khatib), *Empirement Égyptien* (Geneva, 1948), pp. 125-35.

۲۵. *Journal of Economic Geography*, pp. 109-20.

۲۶. *Journal of Economic Geography*, pp. 109-20.

۲۷. *Journal of Economic Geography*, pp. 109-20.

۲۸. *Journal of Economic Geography*, pp. 109-20.

۲۹. *Journal of Economic Geography*, pp. 109-20.

۳۰. *Journal of Economic Geography*, pp. 109-20.

۳۱. *Journal of Economic Geography*, pp. 109-20.

۳۲. *Journal of Economic Geography*, pp. 109-20.

۳۳. *Journal of Economic Geography*, pp. 109-20.

۳۴. *Journal of Economic Geography*, pp. 109-20.

۳۵. *Journal of Economic Geography*, pp. 109-20.

۳۶. *Journal of Economic Geography*, pp. 109-20.

۳۷. *Journal of Economic Geography*, pp. 109-20.

۳۸. *Journal of Economic Geography*, pp. 109-20.

۳۹. *Journal of Economic Geography*, pp. 109-20.

۴۰. *Journal of Economic Geography*, pp. 109-20.

۴۱. *Journal of Economic Geography*, pp. 109-20.

۴۲. *Journal of Economic Geography*, pp. 109-20.

۴۳. *Journal of Economic Geography*, pp. 109-20.

۴۴. *Journal of Economic Geography*, pp. 109-20.

۴۵. *Journal of Economic Geography*, pp. 109-20.

۴۶. *Journal of Economic Geography*, pp. 109-20.

۴۷. *Journal of Economic Geography*, pp. 109-20.

۴۸. *Journal of Economic Geography*, pp. 109-20.

۴۹. *Journal of Economic Geography*, pp. 109-20.

۵۰. *Journal of Economic Geography*, pp. 109-20.

۵۱. *Journal of Economic Geography*, pp. 109-20.

۵۲. *Journal of Economic Geography*, pp. 109-20.

۵۳. *Journal of Economic Geography*, pp. 109-20.

۵۴. *Journal of Economic Geography*, pp. 109-20.

۵۵. *Journal of Economic Geography*, pp. 109-20.

۵۶. *Journal of Economic Geography*, pp. 109-20.

۵۷. *Journal of Economic Geography*, pp. 109-20.

۵۸. *Journal of Economic Geography*, pp. 109-20.

۵۹. *Journal of Economic Geography*, pp. 109-20.

۶۰. *Journal of Economic Geography*, pp. 109-20.

۶۱. *Journal of Economic Geography*, pp. 109-20.

۶۲. *Journal of Economic Geography*, pp. 109-20.

۶۳. *Journal of Economic Geography*, pp. 109-20.

۶۴. *Journal of Economic Geography*, pp. 109-20.

۶۵. *Journal of Economic Geography*, pp. 109-20.

۶۶. *Journal of Economic Geography*, pp. 109-20.

۶۷. *Journal of Economic Geography*, pp. 109-20.

۶۸. *Journal of Economic Geography*, pp. 109-20.

۶۹. *Journal of Economic Geography*, pp. 109-20.

۷۰. *Journal of Economic Geography*, pp. 109-20.

۷۱. *Journal of Economic Geography*, pp. 109-20.

۷۲. *Journal of Economic Geography*, pp. 109-20.

۷۳. *Journal of Economic Geography*, pp. 109-20.

۷۴. *Journal of Economic Geography*, pp. 109-20.

۷۵. *Journal of Economic Geography*, pp. 109-20.

۷۶. *Journal of Economic Geography*, pp. 109-20.

۷۷. *Journal of Economic Geography*, pp. 109-20.

۷۸. *Journal of Economic Geography*, pp. 109-20.

۷۹. *Journal of Economic Geography*, pp. 109-20.

۸۰. *Journal of Economic Geography*, pp. 109-20.

۸۱. *Journal of Economic Geography*, pp. 109-20.

۸۲. *Journal of Economic Geography*, pp. 109-20.

۸۳. *Journal of Economic Geography*, pp. 109-20.

۸۴. *Journal of Economic Geography*, pp. 109-20.

۸۵. *Journal of Economic Geography*, pp. 109-20.

۸۶. *Journal of Economic Geography*, pp. 109-20.

۸۷. *Journal of Economic Geography*, pp. 109-20.

۸۸. *Journal of Economic Geography*, pp. 109-20.

۸۹. *Journal of Economic Geography*, pp. 109-20.

۹۰. *Journal of Economic Geography*, pp. 109-20.

۹۱. *Journal of Economic Geography*, pp. 109-20.

۹۲. *Journal of Economic Geography*, pp. 109-20.

۹۳. *Journal of Economic Geography*, pp. 109-20.

۹۴. *Journal of Economic Geography*, pp. 109-20.

۹۵. *Journal of Economic Geography*, pp. 109-20.

۹۶. *Journal of Economic Geography*, pp. 109-20.

۹۷. *Journal of Economic Geography*, pp. 109-20.

۹۸. *Journal of Economic Geography*, pp. 109-20.

۹۹. *Journal of Economic Geography*, pp. 109-20.

۱۰۰. *Journal of Economic Geography*, pp. 109-20.